روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۷ مرداد ۱۳۹۷ • ۱۵ ذی‌القعده ۱۴۳۹ • ۲۹ جولای ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۲۰۶ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۱ • اذان صبح فردا ۴:۳۳ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

طفلک بابای سوفیا...

پوریا عالمی

● بابای سوفیا شونزده شب است پلک روی هم نگذاشته و نشسته جلوی کامپیوتر و هی کنترل + اف ۵ را می‌زند. درواقع هر ثانیه یک رفرش می‌کند. می‌گوید: قرار است سایت خرید اینترنتی خودرو باز بشود و مردم بتوانند با قیمت کمپانی خرید کنند. بعد می‌گوید: فرقی ندارد کدام کمپانی خودرو، هر ماشینی بشود به قیمت مصوب خرید، برنده‌ای.

بابای سوفیا اعصاب ندارد. تا حالا شونزده کمپانی اعلام کرده‌اند فروش آنلاین دارند و ساعت دو شب سایت را باز می‌کنند، بابای سوفیا موس‌به‌دست نشسته جلوی کامپیوتر، اما وقتی ساعت دو شب می‌شود، همه سایت‌ها می‌خوابند. بابای سوفیا تا حالا سه‌بار کله‌اش را کوبیده توی مانیتور، شش‌بار به سقف.

بابای سوفیا می‌گوید یکی دارد کرم می‌ریزد. بابای سوفیا می‌گوید چطوری ما نمی‌توانیم بخریم، اما فردا صبح همان ماشین صد میلیون گران‌تر توی بازار خریدوفروش می‌شود؟ بابای سوفیا می‌گوید اصلا کامپیوتر من خراب، اصلا اینترنت من خراب، اصلا من خراب، شما که سالمی، چرا اعصاب ملت را خراب می‌کنی؟ بابای سوفیا می‌گوید یکی دارد کرم می‌ریزد. این‌همه دلار با قیمت دولتی دادند خیارشور هم دست ملت را نگرفت. آن‌همه ماشین مدل‌بالا هم از خارج وارد کردند با ارز دولتی، بعد همین چهارتا لگن مونتاژ داخل را هم چشم ندارند ببینند ما با خیال راحت سوار شویم.

بابای سوفیا می‌گوید قیمت لگن پلاستیکی را قدیم کیلویی حساب می‌کردند؛ یعنی یک لگن بزرگ که ۲۰۰ گرم وزن دارد، الان با حساب دستمزد ساخت می‌شود پنج هزار تومان. بعد ما داریم لگن چینی می‌خریم بالای صد میلیون تومان. مگه ما آدم نیستیم؟ اصلا خود چینی‌ها لگن سوار می‌شوند یا توش کهنه بچه می‌شویند؟

بابای سوفیا دارد موهایش را می‌کشد. می‌گوید ما چه‌کار کنیم که از بین نرویم؟ ۵۰ میلیون تومان پول داشتم توی بانک که الان اگر به‌عنوان کاغذباطله کیلویی بفروشم به‌صرفه‌تر است. دلار بود چهار هزار تومان، الان شده ۱۰ هزارتومان. سکه از یک‌میلیون تومان رسیده به سه‌میلیون‌ونیم؛ یعنی ۵۰ میلیون تومان من الان می‌ارزد ۲۰میلیون تومان. روی هر ماشین هم که صد میلیون تومان رفته. درواقع همان لگن را هم دیگر نمی‌شود خرید. بابای سوفیا لبخند می‌زند. چشم‌هایش را به هم نزدیک می‌کند. انگشتش را می‌گیرد روی لبش و بربربربربر صدا درمی‌آورد. بابای سوفیا می‌گوید بعد تلویزیون سریال نشان می‌دهد که دوتا دختر دانشجو کلاه کاپشن می‌گذارند روی سرشان، پسره می‌ریزد به‌هم و از پنجره خودش را پرت می‌کند پایین. بابای سوفیا سرش را می‌زند توی تلویزیون و می‌گوید کی پس حرف من را بزند؟ بابای سوفیا می‌گوید وقتی ما داریم می‌رویم، اما تحلیل صداوسیما کلاه کاپشن است، آدم نباید تصعید شود تا به آرامش برسد؟ بعد خودش را با تلویزیون از پنجره پرت می‌کند بیرون. بابای سوفیا می‌گوید من اگر تومان بودم به نسبت شش ماه پیش ارزشم نصف شده بود. بابای سوفیا می‌گوید سه‌چهارم معده‌ام را گذاشته‌ام بفروشم، چون بلااستفاده شده. نصف یخچال را هم کرده‌ام جاکفشی چون دیگر نمی‌شود پرش کرد. بابای سوفیا دارد گریه می‌کند. می‌گوید به این سوی چراغ من آدمم. قبلا صبح‌ها در ساعت اداری می‌رفتم دنبال نان شب. الان شب‌ها هم بروم اتفاقی نمی‌افتد. بابای سوفیا اما از مسئولان ممنون است و همه را حلواحلوا می‌کند.

بابای سوفیا می‌گوید من همیشه پای صندوق رأی بودم، اما کم‌کم باید پای صندوق صدقات بروم.

بابای سوفیا ناامید نیست. خوشحال است. بابای سوفیا می‌گوید آدم گاهی توی نان شب، توی خرجی خانه و زندگی، توی خرج لباس و تحصیل و درمان و تفریح خانواده، توی خریدن یک لقمه نان، می‌زاید.

بابای سوفیا می‌گوید: این افسردگی که من دارم، افسردگی پس از زایمان گاوم است که به لطف مسئولان دوقلو زاییده است.

جمع‌بندی: سوفیا... عشق من... بابای تو با ۴۰ سال تجربه گرداندن خانه و زندگی توش زاییده، من یک‌لاقبا سر زا نروم؟

عاشق پابه‌ماه تو؛ میدون دوم

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی

زیر آسمان شهر

نسبت ناموزون فالوئر و فالوئینگ

ابراهیم عمران: صفحه‌های اجتماعی افراد دارای مسئولیت و نه صرفا افراد مشهور در ورزش و سینما و تلویزیون، جای بسیار استراتژیکی است که این سکانداران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از وضع و احوال توده مردم، بی‌واسطه خبردار شوند و آنچه در ذهن و روح و روان مردم، جریان دارد در بستری بی‌پیرایه‌تر، لباس عیان‌تری به خود بگیرد. بسیار دیده می‌شود مدیران و وزرا و مسئولیت‌داران، افرادی خاص و معروف‌تر از خویش را دنبال می‌کنند که جز ادای احترام و خالی‌نبودن عریضه معنای دیگری ندارد و در این رهگذر است که معادله دنبال‌کنندگان و دنبال‌شوندگان، هم‌خوانی ندارد و فقط انگشت سبابه و نشانه است که زحمت‌دار لایک بی‌منطق‌ودلیل می‌شود. به راستی جدا از برخی مسائل عرفی و اخلاقی که سبب می‌شود در صفحات اجتماعی هر فرد یا افرادی را دنبال نکنند زمام‌داران امور؛ ادله دیگر چه می‌تواند باشد که این‌چنین امساک می‌ورزند در دنبال‌کردن دیگران؟ اگر گفته شود که نمی‌تواند بی‌درویکر با صفحه‌هایی که نمی‌شناسند، ارتباط بگیرند، ولی اگر فلان مقام اداری و وزارتی، نخبه‌های اجتماعی در هر موقعیت کاری و شغلی را نشناسد که دیگر داستان غم‌انگیزتر هم خواهد شد. اگر فرض بر این است که افراد ناشناس و در حقیقت نوشته‌هایشان را پیگیر نباشند که از خط‌وربطشان مطلع نیستند، شاید منطقشان درست باشد، ولی اگر فلان روزنامه‌نگار و مصلح اجتماعی را هم نشناسند و درواقع پیگیر صفحه‌های آنان نباشند، یعنی هیچ شناخت پیرامونی‌ای از اوضاع‌واحوال جامعه ندارند. با این رخوت و در حقیقت نخوتی که این بزرگان کار دارند اولین ضربه را به حوزه کاری خویش وارد می‌کنند و در وهله‌های بعد تصمیم‌های نسنجیده که متأسفانه کم هم نیست نزد این سکان‌داران. حال که به مدد تلگرام و توییتر و اینستاگرام، دریافت و رهیافت از آنچه در اجتماع صورت می‌پذیرد، شاذ (کمیاب) و مشکل نیست، بهتر است این بزرگان یا ادمین‌هایشان سرودستی به این شبکه‌ها بزنند و صرفا دلخوش به پسندهای میلیونی نباشند وقتی از این میلیون و هزار، فردی را درواقع دنبال نمی‌کنند. برای اثبات این مدعا کافی است سری به صفحه‌های برخی از مدیران و وزرا بزنیم تا ببینیم در صورت داشتن صفحه واقعی، چه تعداد از افراد عادی‌تر از خودشان را نیز دنبال می‌کنند تا بی‌واسطه در جریان امور قرار گیرند. هرچند این نگره در بازنشستگان و ازکاربیرون‌شدگان سیاسی و اجتماعی رواج دارد که تا حدودی به‌واسطه ارتباط با مقام‌ها، تحلیل‌های درست‌تری از اجتماع ارائه می‌دهند، ولی افسوس در تصمیم‌گیران محلی و منطقه‌ای و کشوری این «دست برتر» رایگان و بی‌منت یافت نمی‌شود و افسوس بیشتر آنکه مشاور و مشاورانی هم نیستند که این نقیصه را برطرف کنند.

مغز اجتماعی-۲۷

چرا ترامپ زیاد دروغ می‌گوید

عبدالرحمن نجل‌رحیم

مغزپژوه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به طور میانگین هر آمریکایی در روز یک یا دو دروغ می‌گوید. بر همین روال رئیس‌جمهورهای قبلی آمریکا هم گاه برای حفظ قدرت خود دروغ گفته‌اند؛ اما دونالد ترامپ رکورددار است. او در مدت ۴۶۶ روز، سه هزار دروغ گفته است؛ یعنی بیش از شش دروغ در روز. این حجم از دروغ‌گویی نشانه اجبار به دروغ‌سازی ساختاری در نظام مغزی شخص دروغ‌گو است که به آن دروغ‌گویی مرضی یا سندرم پینوکیو می‌گویند. معروف است که اگر ترامپ به جای پینوکیو شخصیت خیالی عروسکی چوبی بود که با دروغ‌گویی دماغش درازتر می‌شد، طول دماغش باید درازی مسافت کاخ سفید تا بنای یادبود واشنگتن را طی کند و همین مسافت را برگردد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با دروغ‌گویی دماغ کسی بزرگ نمی‌شود؛ بلکه هنگام دروغ‌گویی گرمای اطراف بینی و عضلات دورچشمی به طور بارزی بالا می‌رود. می‌دانیم که گرمای بدن را بخشی از مغز کنترل می‌کند که احساسات ما را هم تنظیم می‌کند؛ بنابراین احتمال آن وجود دارد که احساس شرم و خجالت از دروغ‌گویی، باعث تغییر گرمای اطراف بینی شود؛ اما افرادی که دچار وجدان‌پریشی (سایکوپاتی) و دروغ‌گویی اجباری مرضی هستند، احساس شرم و پشیمانی از دروغ‌های خود ندارند و شاید تغییر گرمایی نیز در اطراف بینی خود نداشته باشند. افراد وجدان‌پریش که در دنیای پردروغ خالی از حقیقت زندگی می‌کنند، مغزشان قادر به ایجاد احساسات همدلانه و شفقت‌آمیز برای انسان‌های دیگر نیست؛ ولی قدرت جذب احساسات همدلانه دیگران به سوی خود را دارند و قادرند دروغ‌های خود را به دیگران بباورانند. این رفتار سنگدلانه خالی از عطوفت ترامپ را به‌تازگی درباره جریان جداسازی مهاجران از فرزندان‌شان در آمریکا شاهد بودیم. او فقط می‌تواند بر سر جان انسان‌ها معامله کند. احساسات انسان‌دوستانه در وجدان او که در پی سود بیشتر برای پیروان شیفته خود است، جایی ندارد و ادعای کمک به مردمی در جایی از دنیا شعاری توخالی بیش نیست.

دلیل مهارنکردن دروغ‌گویی برای افرادی مانند ترامپ این است که دروغ‌گویی وجدان‌شان را آزار نمی‌دهد و به‌همین‌علت اهمیتی نیز برای آثار مخرب آن قائل نیستند و به‌تدریج دروغ‌های خود را باور می‌کنند و اگر قدرت اجتماعی کافی داشته باشند، سعی می‌کنند که دروغ‌های خود را به دیگران هم بباورانند و طرفداران زیادی پیدا کنند. بر این پایه یکی از نشانه‌های مهم وجدان‌پریشی (سایکوپاتی) را دروغ‌گویی مرضی تشکیل می‌دهد که خطر شیوع و به‌باوردرآمدن آنها از سوی پیروان رهبران صاحب اقتدار سیاسی وجدان‌پریش را بیشتر می‌کند.

طرح امکان وجدان‌پریشی ترامپ واکنش‌هایی را در میان طرفداران ترامپ ایجاد کرد و عده‌ای نیز تشخیص هر نوع مرضی را امری بالینی، شخصی و خصوصی دانستند و اعتبار تشخیص وجدان‌پریشی (سایکوپاتی) را با نشانه‌هایی آشکار در رفتار اجتماعی او به چالش کشیدند؛ ولی نباید تردید داشت که تشخیص اختلال شخصیتی در فردی که صاحب اقتدار و قدرتی در قالب رئیس‌جمهور آمریکا، پرقدرت‌ترین کشور جهان است، امری شخصی و خصوصی نیست. توییت‌های حاوی نظریات شخصی ترامپ که هر روز در حال پخش‌شدن در سطح جهانی است، دیگر نمی‌تواند امری خصوصی و شخصی باشد؛ بلکه راهی برای تبلیغ نوعی ایدئولوژی پوپولیستی و دروغ‌های خطرناک درباره مسائل عمده جهان ازجمله طبیعت و محیط زیست است. چنان‌که شاهدیم، خطر چنین پدیده‌ای وقتی است که موجب حلقه‌زدن باورمندان بی‌شماری به دور دروغ‌گوی حرفه‌ای قدرتمند شود و در نهایت موجب دامن‌زدن به فجایع اجتماعی همه‌گیر شود. بدیهی است که طرفداران شامل مردمی هستند که در سایه ترس از قدرت مسلط، بیشتر نگران تأمین زندگی خود و خانواده خود هستند و معمولا مغز آماده‌ای در اطاعت کورکورانه از قدرت دارند. عده‌ای فکر می‌کنند که جای یک وجدان‌پریش (سایکوپات) باید گوشه زندان یا تیمارستان باشد؛ ولی شواهد بسیاری وجود دارد که چنین نیست؛ بلکه درجات بالایی از وجدان‌پریشی در مدیران و مسئولان عالی‌رتبه سیاسی و مالی-اقتصادی قدرتمند جهان که از هوش بالایی نیز برخوردار هستند، شیوع دارد و ترامپ نیز که قبل از ریاست‌جمهوری آمریکا سرمایه‌داری ثروتمند و صحنه‌گردان شوهای تلویزیونی بوده، از این قاعده مستثنا نیست.

خودشیفتگی و دروغ‌گویی مرضی، دو ستون اصلی وجدان‌پریشی هستند. یکی از دلایلی که ترامپ هیچ علاقه‌ای به تعهدها و قراردادهای قبلی بین‌المللی ندارد، این است که می‌خواهد آنها را منحل کند تا قراردادهای جدیدی در محوریت خود ایجاد کند و جهان را به دو جبهه، بخشی که شیفته او و بخشی دیگر که از او متنفر هستند، تقسیم کند. در این کارزار جهان دوقطبی ترامپی، در واقع فرشتگان دروغ‌گوی او باید در مقابل شیاطین حقیقت‌طلب دشمن قرار گیرند. ترامپ و طرفداران دوآتشه‌اش که گول دروغ‌ها و سیاست چماق و هویج و ایجاد ترس در مقابل اهدای جایزه مالی از طریق اعمال قدرت او را خورده و آنها را به باور خود درآورده‌اند، به نوبه خود با رفتار برتری‌طلبانه و گاه فاشیستی خود، مخالفان را خصم خود می‌پندارند و آنها را به واکنش خشمگینانه و مقابله‌جویانه وامی‌دارند. در مقابل این خشم حق‌طلبانه، ترامپ و طرفداران او در دفاع از موضع کینه‌ورزانه خود، مخالفان به‌خشم‌آمده خود را به جنون‌زدگی متهم می‌کنند و مبتلا به هذیان آسیب و گزند می‌دانند.

فراموش نکنیم که این بازار آشفته همه آثار رشد سرمایه‌داری افسارگسیخته‌ای است که سکان قدرت بی‌رحمانه‌ای را به دست افراد وجدان‌پریش ازحقیقت‌گریزان دروغ‌گوی خودشیفته‌ای می‌سپارد تا دنیا را به کام خود بچرخانند.

گزارش

شب جنگ و خون در آسمان

پدیده ماه‌گرفتگی که در تهران و بسیاری از شهرهای جهان در قاره‌های آسیا، اروپا، آفریقا، استرالیا و بخش‌هایی از آمریکا قابل مشاهده با چشمان غیرمسلح بود، بسیاری را به خیابان‌ها و پشت‌بام‌ها کشاند؛ اتفاقی که تهران را پرشور کرد و بسیاری تا سپیده صبح برای دیدن ماه و بیرون‌آمدن ماه از پشت ابرها به انتظار نشستند. این پدیده مهم که به قول برخی شاید تا ۸۰ سال دیگر هم اتفاق نیفتد، در شبکه‌های اجتماعی با استقبال فراوان کاربران ایرانی روبه‌رو شد. هرکس توانست عکسی از این پدیده را منتشر کرد. علاقه‌مندان در شهرهای مختلف؛ از شیراز و مشهد و تبریز و قم و قزوین و... با ابزار ستاره‌شناسی به تماشای آسمان نشستند. در میدان نقش جهان اصفهان، مردم ماه‌گرفتگی را دیدند. در تهران هم استادیوم آزادی، برج میلاد، پارک جمشیدیه و... جزء مکان‌هایی بودند که افراد با تلسکوپ‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای خود به تماشای چندساعته آسمان نشستند، نماز آیات خواندند و به شادی پرداختند. البته تماشای ماه‌گرفتگی نیازی به تلسکوپ نداشت؛ پدیده بسیار مشخص و واضحی بود. هرچند داشتن تلسکوپ سبب می‌شد برخوردهای مختلف (اول و آخر و ...) را دقیق‌تر دید و البته دیگر اجرامی را که در آسمان این شب‌ها درخشش خوبی دارند راحت مشاهده کرد؛ مثلا زهره، مشتری و قمرهای گالیله‌ای‌اش و زحل و حلقه‌هایش.

ماه‌گرفتگی به همراه ماه قرمز و ابرماه همه در طولانی‌ترین ماه‌گرفتگی رخ داده بود. بسیاری از کسانی که به تماشای این لحظات نشسته بودند مدام به اطرافیانشان می‌گفتند که این اتفاق تا چند دهه دیگر رخ نمی‌دهد و سری بعدی که این ماه‌گرفتگی طولانی رخ دهد، فرزندانشان هم در آستانه میان‌سالی هستند.

این تصور سبب می‌شد تا آرزوهایی را که دوست داشتند در این زمان رخ دهد با یکدیگر مرور کنند.

البته ماه‌گرفتگی در فرهنگ غرب پدیده شومی محسوب شده و سبب ترس و وحشت می‌شود و در فیلم‌های جهان به آن اشاره شده است. همچنین برخی نیز به حضور مریخ اشاره کرده‌اند که در کنار ماه‌گرفتگی نمادی از خدای جنگ است. جرم قرمزرنگی که زیر ماه به چشم می‌آمد، مریخ بود. جالب این است که هم ماه‌گرفتگی و هم حضور مریخ (Mars: خدای جنگ) در آسمان شب نمادی از جنگ و خون‌ریزی در دوران باستان بود. البته اگر با ابزار رصدی مثل تلسکوپ شش اینچ به بالا در منطقه با آلودگی نوری کم رصد می‌کردید می‌توانستید پلوتون را در فاصله ۱۰ درجه ببینید. پلوتو به هادس- خدای دنیای مردگان- مشهور است. البته خوش‌بین‌ها اشاره کرده بودند اگر دست راست را می‌گرفتی زحل هم بود، خدای کشت و زرع؛ یعنی اگر از جنگ و خون‌ریزی و مرگ نجات یافتی، امیدی هست که بتوانی مایحتاج خودت را کشت کرده و از گرسنگی نمیری. به همین دلیل برخی با این ماجرا بازی‌های کلامی کرده و نگرانی‌هایشان را بروز داده‌اند؛ مثلا آیا این ماه‌گرفتگی نشانه جنگی در پیش‌رو است؟ یکی از اخترفیزیک‌دانان جهان گفته است: «ظاهرا تا سال ۲۱۲۳ دیگر ماه این ریختی نخواهد شد».

همچنین ترابی، یکی از علم‌پژوهان، در توییتر سعی کرد چند کج‌فهمی رخ‌داده را اصلاح کند: «۱- هفت سال دیگر #ماه_گرفتگی دیگری به مدت گرفت کامل یک ساعت و ۲۲ دقیقه در آسمان ایران رخ می‌دهد. پس نگوییم این آخرین #خسوف عمرمان است. مگر اینکه امید به ادامه زندگی‌مان کوتاه‌تر از هفت سال باشد.

۲- این تنها ماه‌گرفتگی قرن نیست! بلکه این آخرین ماه‌گرفتگی‌ای است که بیش از صد دقیقه، ماه در سایه زمین قرار می‌گیرد و در آسمان ایران دیده می‌شود. این #ماه_گرفتگی درواقع طولانی‌ترین #خسوف کامل در قرن ۲۱ است و تا ۸۷ سال دیگر متناظری ندارد».

برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی به نکات جالب‌توجهی اشاره کرده‌اند، از جمله یکی پرسیده بود یکی از طولانی‌ترین #ماه_گرفتگی‌های قرن ۲۱ در ایران قابل مشاهده بود. برای چنین رویداد بی‌نظیری چه تدارکی در زمینه #گردشگری دیده شده بود؟ این نمونه کوچکی از فرصت‌سوزی‌ها در این عرصه است.

البته برخی از گردشگران و پژوهشگران در چند روز گذشته وارد تبریز شده‌اند.

برخی نیز از این فرصت استفاده کردند و برخی از باورهای عمومی را بیان کردند، البته انگار بیش از آنکه واقعی باشد خرافه‌های تکراری بود که از یکدیگر کپی می‌کردند؛ مثل این مورد که «سال ۸۳، مادرم باردار بود. رو به دوربین کرد و گفت: «میگن زن حامله موقع ماه‌گرفتگی دستشو رو شکمش بذاره، جاش رو بدن بچه می‌مونه؛ خرافه‌س؟»، سر انگشتشو رو شکمش گذاشت؛ چند ماه بعد برادرم با جای ماه‌گرفتگی رو شکمش به دنیا اومد؛ شما امتحان نکنید، خرافه نیست» یا مثلا عنوان شد «در شمال ایران حین ماه‌گرفتگی، مردم تصور می‌کردند کسی ماه رو گرفته و داره می‌بره. می‌ریختن بیرون و شروع می‌کردن به سروصدا و تیراندازی هوایی و این‌قدر ادامه می‌دادن تا ماه آزاد بشه».

عرضه اوراق گواهی سپرده مدت‌دار ویژه سرمایه‌گذاری عام

از ششم لغایت یازدهم مردادماه ۹۷ در شعب بانک اقتصادنوین

۱۸٪ نرخ سود علی‌الحساب سالانه

- معاف از مالیات
- یکساله با پرداخت سود ماهانه
- قابل بازخرید قبل از سررسید با نرخ ۱۶٪
- غیر قابل انتقال به غیر

بانک اقتصادنوین EN BANK

با هم، برای هم

۰۲۱-۴۸۰۳۱۰۰۰

www.enbank.ir

به شعب مراجعه فرمایید